

چگونه می‌توان تنفس آزاد داشت وقتی به آزادی عشق نمی‌ورزیم!!؟

شماره پرسش: ۱۵۶۰۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۵/۱/۲۶ ۰۷:۱۹:۲۱

متن پرسش

سلام استاد: با آرزوی توفیقات روز افزون برای جنابعالی در مورد سوال ۱۵۳۶۷ که گفته شده بود آزادی ارجعیت دارد یا عدالت؟ استاد حقیر قانع نشدم. آزادی مهم است ولی آزادی بدون عدالت معنایی ندارد و... به نظرم در مورد این سوال باید بیشتر بحث کرد و ادله آورد. لطفا کمی در مورد این سوال و در مورد مفهوم آزادی و عدالت توضیح دهید و بحث کنید. چون واقعا هم نیاز به بحث دارد. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: موضوع آزادی موضوعی است بس خطیر و بزرگ، که اگر امکان آن را داشتیم تا آن‌چه در مافی‌الضمیر دارم را با کلمات مناسب اظهار کنم؛ مطمئن باشید بیش‌تر از ۱۰۰۰ صفحه سخن برای گفتن بود. خداوند با دادن اختیار به انسان‌ها بزرگ‌ترین هدیه‌ی خود را که آزادی است به بشریت داده است تا او خود، انتخاب کند و حتی به پیامبر خود می‌فرماید: تو تنها، حقیقت را به انسان‌ها متذکر باش ولی مصیطر نباش و چیزی را به آن‌ها تحمیل نکن، آن‌ها خود مسئول انتخاب‌های خود می‌باشند. پاس‌داشتن آزادی یعنی آن‌که انسان‌ها از سر ترس و اجبار زندگی نکنند. یعنی حق داشته باشند که به‌جای آن‌که «من باشند یا شما باشند، خودشان باشند». مردمان شایسته‌ی داشتن زندگی آزادند. برای زندگی آزاد بیش از آن‌که به قانون خوب، نیاز باشد به مردم خوب نیاز است. آدمی جویای حق است و فرزاندگی به آن است که به او امکان دهیم خودش حق را انتخاب کند. هر چیزی که آزادی انسان را از او بگیرد، او را دفن کرده است. و مسلم انسان آزاده انسانی نیست که با آزادی خود، آزادی دیگران را نابود کند. امروز تنها داعشی‌ها نیستند که خود را به نام دین به بقیه‌ی انسان‌ها تحمیل می‌کنند؛ آن کارمند اداری هم که حقوق شهروندی ما را رعایت نمی‌کند، صورت دیگر همان داعشی است و آن مردی که به اسم دین و در راستای اختیاراتی که دین به او داده است، حق همسر خود را زیر پا می‌گذارد او نیز داعشی است. وقتی به همسر خود بگویند من اجازه نمی‌دهم به مادر و برادرت سر بزنی و بخواهد برای او تصمیم بگیرد، همان داعشی پنهان‌شده در زیر حقوقی است که خداوند برای تنظیم نظام خانواده به او داده است. مثل آن کارمندی که بنا است از قدرت قوانین جامعه، امور شهروندان را رعایت کند، نه آن‌که خود را بر شهروندان تحمیل نماید. آری! هزاران هزار چهره‌ی داعشی‌گری اطراف ما را پر کرده است، حال شما از ترجیح عدالت بر آزادی سخن می‌گویید؟! تا وقتی ما زیبایی آزادی را با جان خود و با رگ و پوست خود احساس نکنیم و تا وقتی آزادی را حق همه‌ی انسان‌ها ندانیم؛ مسلم عدالت نه معنا می‌دهد و نه رُخ می‌نماید. توان ادامه‌ی سخن در بنده

نیست، ولی چه ظلماتی به جهت ندیدن جایگاه آزادی همه‌ی عالم را فرا گرفته است. چگونه می‌توان
تنفسِ آزاد داشت وقتی به آزادی عشق نمی‌ورزیم؟! موفق باشید